

موجب شده تعامل لازم میان نویسنده و فیلمساز شکل بگیرد گفت: نویسنده رمان با یک زحمتی این رمان را نوشته و خیلی هم بازه مالی برایش ندارد، پس اگر قرار است اقتباسی صورت بگیرد، باید حقوق کافی برایش در نظر گرفته شود و حقوق معنوی او نیز کاملا در کار حفظ شود ضمن این که انتقال یک داستان ادبی به زبان داستان سینمایی هم حساب و کتاب و کتاب خودش را دارد. من مدعی نیستم که فیلمنامه‌نویس‌ها نمی‌توانند این کار را انجام دهند، حتما می‌توانند این کار را انجام دهند. ولی به نظر من مستلزم گذاشتن یک وقت و نیروی کافی است، تا قاصه به یک اثر قابل قبولی تبدیل شود.

فرهودی در ادامه با تاکید بر نقص دیگر این تعامل که موجب کاهش چشمگیر اقتباس شده در مورد دیگر ویژگی‌های اقتباس گفت: علت دیگر این بدبینی ناشی از این است که این رمان نویسان شاید تصور می‌کنند باید عین قصه‌شان، فیلم شود و این واقعا عملی نیست.

وی در توضیح این مطلب اضافه کرد: داستان نویسان و رمان نویسان باید این را بدانند که واقعا عملی نیست که عین قصه‌شان، فیلم شود. زبان رمان با زبان سینما متفاوت است. می‌باید معنا و مفهوم اصلی قصه را مدنظر قرار داد. معنا و مفهوم اصلی اثر را هم باید به فراخور سینما تغییر داد. در «ساحره» هم همین کار را کردیم. «عروسک پشت پرده» صادق هدایت، قصه بسیار تاریک و ناامیدانه‌ای است و من دقیقا عکس این مسیر را رفتم. به این فکر کردم که باید حرفی به زبان زمانه گفت به همین دلیل در فیلمنامه آن مرد نه تنها زنش را نجات می‌دهد بلکه خودش هم نجات پیدا می‌کند. من خیلی خوشحالم که توانستم آن پایان بندی را برای «ساحره» ایجاد کنم. آن پایان بندی برای من بسیار با ارزش بود. رفتن سراغ قصه نویسنده قدری مثل صادق هدایت و به نقطه دید تازه‌ای متفاوت بسا نقطه دید هدایت رسیدن؛ از نظر خودم کار با ارزشی بود.

فریدون فرهودی در پایان صحبت‌های خود با بیان اینکه کارگردانان ناچار به حرکت در مسیر اقتباس هستند و باید توجه ویژه‌تری به آن در سینما شود، گفت: فکر می‌کنم دیر یا زود سینما به این نتیجه می‌رسد که منابع سینمایی به عنوان فیلمنامه و فیلمنامه‌نویس محدود است و حتما باید سراغ اقتباس رفت. البته اقتباسی که در آن تم و جوهره داستان، معنا و مفهوم داستان کاملا حفظ شود یا اگر قرار است تغییر کند، هم‌سنگ خود قصه تغییر کند و در آن سطح قرار بگیرد. این فیلمنامه نویس با اشاره به کار ساحره و اتفاقی که در این فیلم افتاد افزود: به عنوان مثال در «ساحره» من نقطه دید را تغییر دادم، ولی نقطه دید مثبتی بود. به نظر من دیر یا زود سینما به سراغ اقتباس می‌رود. امیدوارم که هم قصه‌نویسان و هم فیلمنامه‌نویسان یک کمی کوتاه بیایند و به تعامل برسند و بیشتر تلاش کنند که جوهره و مفهوم و معنای داستان حفظ شود ولی با ساختار سینمایی.



در سینمای ما اقتباس خیلی کم اتفاق می‌افتد، شاید مهمترین دلیل آن این است که یک بدبینی وجود دارد. هم از طرف فیلمنامه‌نویسان به منابع اقتباس یا رمان‌ها و هم از طرف رمان‌ها و هم از طرف سینمای ایران



در سینمای ما بیشتر به اقتباس‌هایی برمی‌خوریم که بر اساس فیلم‌های خارجی ساخته شده‌اند که من این را خیلی نمی‌پسندم. اگر چه اتفاقا فیلم‌های خیلی خوبی هم هستند، اما از نظر من این دیگر اقتباس محسوب نمی‌شود. چون به صاحب اثر حقوقی پرداخت نمی‌شود. در حقیقت بدون اجازه او این اتفاق می‌افتد، که به نظر من از این لحاظ، کار خوبی نیست. به هر حال تصور می‌کنم علت اولیه این که اقتباس در سینمای ما خیلی رواج ندارد این است که رمان نویسان به حقوق خود نرسیده‌اند.

حقوق نویسندگان در اقتباس رعایت نمی‌شود

نویسنده فیلمنامه پسران مهتاب در ادامه گفتگو با تاکید بر این نقص که

قصه‌هایی رفت که خیلی ساده‌تر نوشته شده‌اند و ماجراها قابل انتقال به زبان تصویر است.

فرهودی در مورد کم کاری سینماگران ما در زمینه اقتباس و اینکه چرا اساسا اقتباس در سینمای ایران آن گونه که باید و شاید شکل نگرفته است، گفت: در سینمای ما اقتباس خیلی کم اتفاق می‌افتد، شاید مهمترین دلیل آن این است که یک بدبینی وجود دارد. هم از طرف فیلمنامه‌نویسان به منابع اقتباس یا رمان‌ها و هم از طرف رمان‌نویس‌ها به سینمای ایران. شاید یکی از دلایل این بدبینی‌ها این باشد که اقتباس‌هایی که در گذشته از رمان‌ها شده، اقتباس‌های موفق نبوده. رمان‌نویس یا به حقوق خودش نرسیده یا به یک نسخه خوب سینمایی دست نیافته است. اقتباس هم یک روال و حساب و کتابی دارد. قاعدا باید با منبع اقتباس، ناشر و نویسنده اثر وارد گفتگو شد، باید توافقش را جلب کرد و به اندازه کافی حقوق برایش در نظر گرفت که این موضوعات اساسا در سینمای ایران دیده نمی‌شود.

او ادامه داد: در سینمای ما بیشتر به اقتباس‌هایی برمی‌خوریم که بر اساس فیلم‌های خارجی ساخته شده‌اند که من این را خیلی نمی‌پسندم. اگر چه اتفاقا فیلم‌های خیلی خوبی هم هستند، اما از نظر من این دیگر اقتباس محسوب نمی‌شود. چون به صاحب اثر حقوقی پرداخت نمی‌شود. در حقیقت بدون اجازه او این اتفاق می‌افتد، که به نظر من از این لحاظ، کار خوبی نیست. به هر حال تصور می‌کنم علت اولیه این که اقتباس در سینمای ما خیلی رواج ندارد این است که رمان نویسان به حقوق خود نرسیده‌اند.

هدایت، شخصیت اصلی زن، خود را می‌کشد و من در «ساحره» به پایان بندی دیگری رسیدم. وقتی نقطه‌اوج یک داستان را تغییر می‌دهی، کل ساختار را تغییر می‌کند، من هم کل ساختار را تغییر دادم و این برایم مهم‌ترین کاری بود که در آن نوشته باید انجام می‌شد. این اتفاق در فیلمنامه «تکیه بر باد» هم انجام شد. چون «تراژدی امریکایی» نوشته تئودور درایز نوشته شد که اتفاقا جلال مقدم هم در سال ۱۳۴۹ فیلم «بجنره» را با اقتباس از فیلم «مکانی در آفتاب» که بر اساس همین رمان بوده، ساخته است. ولی من آن زمان فیلم جلال مقدم را ندیده بودم..

یافتن ساختار سینمایی اساس کار اقتباس است

فرهودی در خصوص اقتباس معتقد است: مهم‌ترین کاری که در اقتباس باید انجام داد و به نظر من بسیار کلیدی است، این است که فیلمنامه‌نویس یک ساختار سینمایی، برای آن خلاصه داستان پیدا کند. به ساختار منبع اقتباس نمی‌شود وفادار ماند. چرا که خیلی وقت‌ها این داستان‌های زیبا یا شخصیت‌های دوست‌داشتنی یا موقعیت‌های چشم‌گیر، ارزش مند و چشم‌گیر هستند ولی فاقد ویژگی‌های سینمایی هستند و فقط در قالب رمان خیلی جذاب‌اند. چون ذهنیت شخصیت‌ها در رمان باز می‌شود و ما می‌توانیم سراغ ذهنیت آن شخصیت‌ها برویم و کلی قلم‌فرسایی کنیم. در فیلمنامه نمی‌شود این کار را کرد. در فیلمنامه باید آن چیزی را نوشت که قابل رویت باشد. یعنی داستان باید تصویری شود نه قابل تصور. این دو خیلی با هم فرق می‌کنند. در جمع بندی باید بگویم مهم‌ترین کاری که در اقتباس باید انجام داد پیدا کردن ساختار مناسب است.

نویسنده فیلمنامه کلاهی برای باران در ادامه به نویسندگانی که نوشته‌های مناسبی برای اقتباس دارند اشاره کرد و افزود: داستان‌های احمد محمود و محمود دولت‌آبادی خیلی برای اقتباس مناسب است و زبان داستان گویی‌شان زبانی است که نزدیک به تصویر است، ضمن این که داستان‌هایشان مابه‌ازای اجتماعی زیادی دارند و به همین دلیل بسیار می‌توانند مورد استقبال عام قرار بگیرند. کارگردان تله فیلم آن سوی دیوار با اشاره به نویسندگان جوان‌تر نیز گفت: در نویسندگان نسل جوان هم داستان‌های خوبی برای اقتباس وجود دارد. لزومی ندارد قصه‌ها خیلی بلند باشند. من معتقدم برای اقتباس از رمان، نباید سراغ رمان‌هایی که خیلی پیچیده و فلسفی هستند، رفت. این نوع داستان‌ها برای اقتباس‌های سینمایی مناسب نیستند. چون آن مفاهیم را نمی‌شود به کشمکش‌های بیرونی تبدیل کرد و قصه به راحتی لطمه می‌بیند. اتفاقا باید به سراغ

